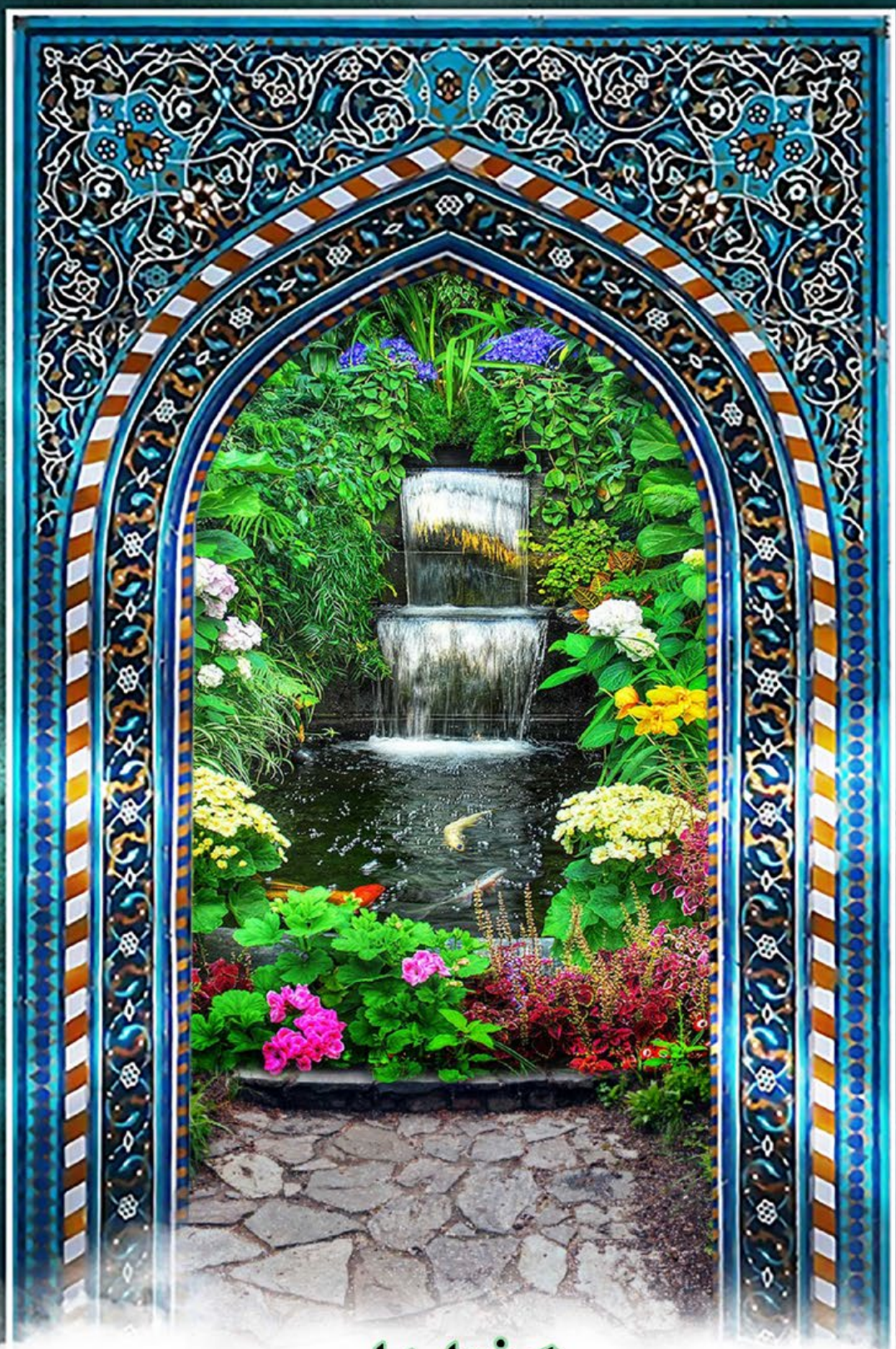




گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ وجود مهدی و ویژگی های او

بسم الله الرحمن الرحيم

سه گفتار از آن جناب درباره ی کسانی که مهدی را قبل و بعد ظهورش انکار می کنند.

۱. أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ رَجُلٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يُنْكِرُ الْمَهْدِيَّ وَيَقُولُ إِنَّهُ مِنَ الْخُرَافَاتِ! قَالَ: أَفَيُنْكِرُهُ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ؟! كَأَلَمْ يُسْتَبْعِدْ لِدَلِك! قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: سَوْفَ يَتَبَيَّنُ لَهُ أَنَّهُ الْحَقُّ، قُلْتُ: أَفَلَمْ يَكْفُرْ بِذَلِكَ؟! قَالَ: لَا، وَلَكِنْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا، ثُمَّ قَالَ: لَا يَكْفُرُونَ حَتَّى يَجْهَدُوا آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ.

ترجمه ی گفتار:

ولید بن محمود ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره ی مردی از مسلمانان پرسیدم که منکر مهدی است و می گوید که او از خرافات است! فرمود: آیا مردی از مسلمانان او را انکار می کند؟! -مانند کسی که آن را استبعاد کند!- گفتم: آری، فرمود: به زودی برای او روشن خواهد شد که او حق است، گفتم: آیا با این انکار، کافر نشده است؟! فرمود: نه، ولی به گمراهی آشکاری دچار شده است. سپس فرمود: کافر نمی شوند تا آن گاه که آیتی از قرآن را انکار کنند.

۲. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الشَّيرَازِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: رَوَايَةٌ يَرْوُونَهَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَلَدِي يَعْنِي الْمَهْدِيَّ فَقَدْ أَنْكَرَنِي، فَقَالَ: هُوَ كَذَلِكَ إِذَا أَنْكَرَهُ بَعْدَ أَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ بِاسْمِهِ، ثُمَّ قَالَ: إِذَا سَمِعْتُمُ النَّدَاءَ بِاسْمِهِ فَقَدْ رَدَفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ.

ترجمه ی گفتار:

محمد بن ابراهیم شیرازی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: روایتی است که از جعفر بن محمد،



از پدرش، از پدران‌ش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند که فرموده: هر کس قائم از فرزندان من یعنی مهدی را انکار کند، من را انکار کرده است، پس فرمود: همین طور است هرگاه او را پس از شنیدن ندا به نامش انکار کند، سپس فرمود: هنگامی که ندا به نام او را بشنوید، برخی از چیزهایی که برای آن‌ها عجله دارید، پی در پی به شما می‌رسند.

۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّلِقَانِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: لَقَدْ حَيَّرْتَنِي آيَةً فِي الْقُرْآنِ! قَالَ: وَمَا هِيَ؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾^۱، فَأَيُّ الصَّالِّ الَّذِي لَيْسَ بِكَافِرٍ وَلَا مُؤْمِنٍ؟ قَالَ: يَا أَحْمَدُ! إِنَّ النَّاسَ كَانُوا أُمَّتَيْنِ مَا دَامَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أُمَّةٌ كَافِرَةٌ وَأُمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ، فَلَمَّا تَوَفَّيَ أَصْبَحُوا ثَلَاثَ أُمَمٍ: أُمَّةٌ كَافِرَةٌ وَأُمَّةٌ ضَالَّةٌ وَأُمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ، وَلَا يَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْمَهْدِيُّ، فَإِذَا أَتَاهُمُ الْمَهْدِيُّ أَصْبَحُوا أُمَّتَيْنِ كَمَا كَانُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أُمَّةٌ كَافِرَةٌ وَأُمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ، قُلْتُ: لِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَأْتِيهِمْ بَايَةٌ مِنَ اللَّهِ كَمَا أَتَاهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَمَنْ صَدَّقَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ كَذَّبَهُ فَهُوَ كَافِرٌ، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، فَرَجَّتْ عَنِّي فَرَجَ اللَّهِ عَنكَ!

ترجمه‌ی گفتار:

احمد بن عبد الرحمن طالقانی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: آیه‌ای در قرآن من را متحیر ساخته است! فرمود: آن چیست؟ گفتم: سخن خداوند بلندمرتبه که فرموده است: «برخی از شما کافر و برخی از شما مؤمن هستید»، پس گمراهانی که نه کافر و نه مؤمن هستند کجایند؟! فرمود: ای احمد! مردم تا هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در میانشان بود، دو گروه بودند: گروهی کافر و گروهی مؤمن، پس چون از دنیا رفت، سه گروه شدند: گروهی کافر و گروهی گمراه و گروهی مؤمن و همواره این گونه خواهند بود تا آن گاه که مهدی به نزدشان بیاید، پس چون مهدی به نزدشان بیاید، دو گروه خواهند شد همان طور که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند: گروهی کافر و گروهی مؤمن، گفتم: از چه رو؟ فرمود: از آن رو که او با آیتی از جانب خداوند به نزدشان خواهد آمد همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نزدشان آمد، پس هر کس او را تصدیق کند مؤمن و هر کس او را تکذیب کند کافر خواهد بود، گفتم: فدایت شوم، من را آسوده کردی، خداوند تو را آسوده گرداند!

شرح گفتار:

از این حکمت‌های گران بها دانسته می‌شود که هر کس مهدی را پیش از ظهورش انکار کند، کافر نیست؛ چراکه او آیتی از جانب خداوند را انکار نکرده، بل خبری را انکار کرده که از پیامبر

صَلَّى الله عليه و آله و سلم به او رسیده با این تصوّر که پیامبر صَلَّى الله عليه و آله و سلم آن را نفرموده است، هر چند با توجه به تواتر آن از پیامبر صَلَّى الله عليه و آله و سلم، در گمراهی آشکاری است، ولی هر کس مهدی را پس از ظهورش انکار کند، کافر است؛ چراکه مهدی هرگاه ظهور کند، به همراهش آیات آشکاری ظهور می‌کنند، مانند ندایی از آسمان به نام او و تردیدی نیست که هر کس آیتی آشکار را انکار کند، کافر است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمَا يَجْعَدُ بَيِّنَاتِنَا إِلَّا الْأُنْكَارُونَ﴾^۱؛ «و آیات ما را جز کافران انکار نمی‌کنند». به علاوه، دانسته می‌شود که مردم در زمان مهدی، به حالتی باز خواهند گشت که در زمان رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم داشتند و مردم در زمان رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم دو دسته بودند: دسته‌ای که خلیفه‌ی خداوند در زمین را می‌شناختند و به وجوب اطاعت او اقرار داشتند و آنان مؤمنان بودند و دسته‌ای که خلیفه‌ی خداوند در زمین را نمی‌شناختند و به وجوب اطاعت او اقرار نداشتند و آنان کافران بودند و در این میان، هیچ مسلمانی وجود نداشت که خلیفه‌ی خداوند در زمین را نشناسد و به وجوب اطاعت او اقرار نداشته باشد تا گمراه دانسته شود بدون اینکه کافر باشد. این حالت جدیدی بود که پس از درگذشت رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم پیدا شد، هنگامی که مردم درباره‌ی خلافت اختلاف کردند و بیشترشان، با وجود اینکه مسلمان بودند، درباره‌ی خلیفه‌ی خداوند در زمین گمراه شدند. البته روشن است که مراد از ایمان در اینجا اعتقاد صحیح است، صرف نظر از چگونگی عمل؛ زیرا در زمان رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم کسانی وجود داشتند که مرتکب زنا، سرقت و شرب خمر می‌شدند و تبعاً از حیث عملی مؤمن نبودند، ولی آنان ولایت خداوند و پیامبرش را پذیرفته بودند و از این رو، خداوند آنان را به خاطر درستی اعتقادشان به مؤمنان ملحق فرمود؛ چنانکه روایت شده است مردی از انصار از شرب خمر خودداری نمی‌کرد، پس او را بارها به نزد رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم آوردند و هر بار آن حضرت او را می‌زد. پس چون این کار زیاد شد یکی از مردم گفت: «خدا او را لعنت کند! چقدر شراب می‌نوشد و چقدر کتک می‌خورد!» پس رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم فرمود: «لَا تَلْعَنَهُ، فَإِنَّهُ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۲؛ «او را لعنت نکن؛ چراکه خداوند و پیامبرش را دوست می‌دارد». همچنین، روایت شده است که مردی از رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم درباره‌ی زمان رسیدن قیامت پرسید، پس آن حضرت به او فرمود: «مَا أَعْدَدْتُ لَهَا؟»؛ «برای آن چه چیزی آماده کرده‌ای؟» مرد گفت: «مَا أَعْدَدْتُ لَهَا مِنْ كَثِيرٍ عَمَلٍ، لَا صَلَاةَ وَلَا صَوْمَ، إِلَّا أَنِّي أَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»؛ «عمل چندانی برای آن آماده نکرده‌ام، نه نمازی و نه روزه‌ای، جز اینکه خداوند و پیامبرش را دوست می‌دارم». پس رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم به

۱. العنکبوت / ۴۷

۲. مغازی الواقدي، ج ۲، ص ۶۶۵؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۳، ص ۴۹۳؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۳۸۰، ج ۹، ص ۲۴۵؛ صحيح البخاري، ج ۸، ص ۱۵۸؛ مسند أبي يعلى، ج ۱، ص ۱۶۱؛ مسند البزار، ج ۱، ص ۳۹۳؛ معرفة الصحابة لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۳، ص ۱۶۲۶؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۸، ص ۵۴۲، ج ۹، ص ۱۷۶؛ الإستهيعاب في معرفة الأصحاب لابن عبد البر، ج ۴، ص ۵۲۹

او فرمود: «أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحَبَبْتَ»؛ «تو به همراه کسی خواهی بود که دوستش می‌داری» یا فرمود: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»؛ «انسان با کسی خواهد بود که دوستش می‌دارد»^۱. همچنین، روایت شده است که مردی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بسیار دوست می‌داشت. پس آن حضرت چند روز او را ندید و سراغش را گرفت. پس به آن حضرت گفتند: «ای رسول خدا! او از دنیا رفت و نزد ما شخصی امین و راستگو بود، ولی عیبی داشت». آن حضرت فرمود: «چه عیبی؟» گفتند: «دنبال زنان راه می‌افتاد!» پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «رَحِمَهُ اللَّهُ، وَاللَّهُ لَقَدْ كَانَ يُحِبُّنِي حُبًّا لَوْ كَانَ نَحَّاسًا لَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ»^۲؛ «خداوند او را بیامرزد! به خدا سوگند من را چنان دوست می‌داشت که اگر برده فروش بود نیز خداوند او را می‌آمرزد!». این‌ها همه دلیل بر آن است که هر کس خلیفه‌ی خداوند در زمین را بشناسد و ولایت را برایش خالص گرداند، از دسته‌ی مؤمنان شمرده می‌شود، اگر چه در اعمال خود گناه کار باشد. از این رو، مسلمانان فاسق، هرگاه از جهت اعتقادی گمراه نباشند، به مؤمنان ملحق می‌شوند، هر چند از آنان نباشند؛ خصوصاً با توجه به اینکه روایت شده است که به آنان پیش از مرگشان توفیق توبه داده خواهد شد؛ چنانکه ابو الفرج اصفهانی به سند خود از عباد بن صهیب روایت کرده است: «كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، فَأَتَاهُ نَعْيُ السَّيِّدِ -يَعْنِي الْحَمِيرِيَّ-، فَدَعَا لَهُ وَتَرَحَّمَ عَلَيْهِ، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، تَدْعُو لَهُ وَهُوَ يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَيُؤْمِنُ بِالرَّجْعَةِ؟! فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي، أَنَّ مُحَبِّي آلِ مُحَمَّدٍ لَا يَمُوتُونَ إِلَّا تَائِبِينَ وَقَدْ تَابَ، وَرَفَعَ مُصَلًّى كَانَتْ تَحْتَهُ، فَأُخْرِجَ كِتَابًا مِنَ السَّيِّدِ يُعَرِّفُهُ فِيهِ أَنَّهُ قَدْ تَابَ وَيَسْأَلُهُ الدُّعَاءَ لَهُ»^۳؛ «نزد جعفر بن محمد بودم که خبر درگذشت سید حمیری به او رسید، پس برایش دعا و طلب رحمت کرد. پس مردی گفت: ای پسر رسول خدا! آیا برای او دعا می‌کنی، در حالی که شراب می‌نوشید و به رجعت اعتقاد داشت؟! پس آن حضرت فرمود: پدرم من را از جدم حدیث کرد که دوستان (مخلص) آل محمد جز بعد از توبه نمی‌میرند. او نیز توبه کرد. در این هنگام آن حضرت جانمازی که رویش نشسته بود را بلند کرد و نامه‌ای از سید را درآورد که در آن از توبه‌ی خود خبر داده بود و از آن حضرت خواسته بود که برایش دعا کند». با این حال، بعید نیست که مراد از مردم در اینجا نوع آنان باشد؛ چراکه اکثر آنان در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا کافر و یا مؤمن بودند، هر چند در میانشان شمار اندکی وجود داشتند که نه کافر و نه مؤمن بودند؛ مانند فاسقان صحابه و بادیه‌نشینانی که می‌گفتند ایمان آوردیم، در حالی که ایمان هنوز به دل‌هایشان

۱. جامع معمر بن راشد، ج ۱۱، ص ۱۹۹؛ أحادیث إسماعيل بن جعفر، ص ۱۹۲؛ حديث شعبة بن الحجاج، ص ۵۴؛ حديث سفيان بن عيينة (رواية المروزي)، ج ۱، ص ۴۵؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ۳، ص ۵۹۴؛ مسند عبد الله بن المبارك، ج ۱، ص ۸؛ مسند ابن الجعد، ص ۴۶۳؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۷، ص ۵۰۳؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد، ج ۲، ص ۲۸۲؛ مسند أحمد، ج ۲۰، ص ۱۳۵، ج ۲۱، ص ۲۵۴؛ مسند الحميدي، ج ۲، ص ۳۰۵؛ صحيح البخاري، ج ۸، ص ۳۹؛ صحيح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۳۲؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۱۷۳؛ سنن الدارقطني، ج ۱، ص ۲۴۰؛ مسند أبي يعلى، ج ۶، ص ۳۱۳؛ مسند البزار، ج ۵، ص ۱۶۱، ج ۱۴، ص ۱۰۷؛ معجم ابن المقري، ص ۳۵۰؛ الإيمان لابن منده، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲. الكافي للكليني، ج ۸، ص ۷۸.

۳. الأغاني لأبي الفرج الأصفهاني، ج ۷، ص ۲۰۱.



داخل نشده بود، ولی چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت، نوع مردم یا کافر یا گمراه یا مؤمن شدند و مؤمنان در اقلیت قرار گرفتند پس از اینکه در اکثریت بودند و آنان همواره بر این حالت خواهند بود تا آن گاه که مهدی برایشان ظهور کند، پس چون مهدی برایشان ظهور کرد، نوع آنان یک بار دیگر یا کافر یا مؤمن خواهند شد و مؤمنان در اکثریت قرار خواهند گرفت پس از اینکه در اقلیت بودند و مسلمان گمراهی در میانشان باقی نخواهد ماند، اگرچه مسلمانانی فاسق در میانشان یافت شوند.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.